

کارآمدسازی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه سیاسی امام خمینی 1

دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۵ تأیید: ۱۴۰۱/۶/۷ محمدعلی صادقزاده*
و سیدجلال دهقانی فیروزآبادی** و رضا لکزایی***

چکیده

دیپلماسی عمومی یکی از ابزارهای مؤثر نیل به اهداف سیاست خارجی ایران محسوب می‌شود. جایگاه و نقش امام خمینی 1، به عنوان رهبر انقلاب و بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران، در معرفی و جهت‌دهی به افکار عمومی و برقراری ارتباط با سایر ملت‌ها و دولت‌ها، نسبت به انقلاب اسلامی و نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران، نقش مهم و اساسی داشته است.

در این مقاله در پاسخ به این سؤال اصلی که نقش امام خمینی 1 در فعال‌سازی، تقویت و کارآمدی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، جهت تأمین منافع ایران و جهان اسلام چیست؟ این فرضیه مورد آزمون قرار گرفت که امام با توجه به جایگاه خود در ساختار سیاسی - حقوقی کشور و برخورداری از مقام مرجعیت دینی و شأن ولایت فقیه، در فعال‌سازی، تقویت و کارآمدی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران از طریق گفتمان‌سازی، اعتباربخشی، اقناع‌سازی و مدیریت تصویر، نقش تعیین‌کننده داشته است و هم‌چنان سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در این عرصه می‌توانند از این ظرفیت و استراتژی و پیش‌برد اهداف دیپلماسی عمومی کشور بهره‌گیرند و بر میزان کارآمدی آن بیفزایند.

واژگان کلیدی

دیپلماسی عمومی، کارآمدی دیپلماسی عمومی، جمهوری اسلامی، اندیشه سیاسی امام خمینی

* دکتری انقلاب اسلامی ایران از دانشگاه معارف اسلامی: Tm.sadeghzadeh@yahoo.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی: jdeghani20@yahoo.com

*** دانش‌آموخته حوزه علمیه و پژوهشگر پژوهشگاه امام صادق 7: r1akzaee@gmail.com



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانیت

مقدمه

با توجه به تحولات ارتباطی و رسانه‌ای و اهمیت یافتن ارتباط با مردم جهان، اکنون قدرت نرم و توانایی مدیریت افکار عمومی از مؤلفه‌های مهم ارتقای سطح و جایگاه یک کشور در میان سایر کشورها و دولت‌ها محسوب می‌شود. لذا دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی، نقش مهمی در قدرت‌سازی، اعتباربخشی و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در جهت تأمین منافع ملی می‌باشد.

از طرفی هویت دولت دو معنای متمایز دارد: یکی هویت جمعی آن که شامل خصوصیات درونی انسانی، مادی و ایدئولوژیک می‌باشد و دیگری هویت اجتماعی آن که عبارت است از معنایی که کنش‌گر در نگاه به دیگران به خود می‌دهد (هادیان، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۹۲۲). بر این اساس، بعد جمعی هویت هر نظام سیاسی، در ارتباط آن با دولت‌ها و ملل خارجی معنا می‌یابد و پردازش تصویر از آن طریق انجام می‌گیرد. در این میان، جمهوری اسلامی نیز از منابع قدرت و فرصت‌های نهادی و ساختاری مؤثری جهت ارتقای سطح دیپلماسی عمومی برخوردار است که یکی از آن‌ها قدرت ساختار - کارگزار، نقش حضرت امام خمینی 1 در مقام رهبر ایران اسلامی است. این پژوهش در صدد بررسی این سؤال است که نقش امام خمینی در فعال‌سازی، تقویت و کارآمدی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، جهت تأمین منافع ایران و جهان اسلام چیست؟ در این راستا با بهره‌مندی از روش جمع‌آوری داده‌ها از بیانات، سخنرانی‌ها و پیام‌های امام راحل و اسناد بالادستی، می‌توان دریافت، امام خمینی به عنوان منبعی مستقل و بی‌بدیل، با توجه به شخصیت و ویژگی‌های فردی و جایگاه ساختاری و نهادی به عنوان رهبر سیاسی و مرجعیت دینی و داشتن شأن ولایت فقیه، از نیروی جاذبه و قدرت نرم مؤثری جهت ارتباط با ملت‌های جهان علی‌الخصوص مردم مسلمان، ارسال پیام، گفتمان‌سازی، اعتباربخشی، اقناع‌سازی و ارائه تصویر مثبت از ایران اسلامی برخوردار است و توانست سطح کارآمدی دیپلماسی عمومی کشور را ارتقا بخشد و با پیوند میان دین و سیاست، شکل جدیدی از نظام حاکمیتی، تحت

عنوان مردم‌سالاری دینی را به‌وجود آورد و موجب اشاعه الگوی عملی حکومت اسلامی گردد.

در این میان، کتاب و مقالاتی با عناوین مشابه و با روی‌کردی متفاوت به نگارش آمده است که در ادامه به برخی از این آثار اشاره می‌کنیم. سروش، در کتاب دیپلماسی امام خمینی¹ به بررسی مبانی اندیشه و راهبردهای دیپلماتیک امام پرداخته که با ایدئولوژی اسلامی بر گفتمان بین‌المللی انقلاب تأکید شده است. دهقانی فیروزآبادی و سروش، در مقاله‌ای به بررسی سطوح دیپلماسی عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی، در سه ساحت فقه، فلسفه و عرفان، متناظر با سه ساحت انسان پرداختند. اخوان کاظمی، در مقاله‌ای راهبردها و بایسته‌های سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری را بررسی کرده و بر ماهیت و نوع دیپلماسی اسلامی با روی‌کرد فرهنگی از منظر امام و مقام معظم رهبری تأکید نموده است.

بر اساس بررسی‌های به‌عمل‌آمده تا کنون مقاله مستقلی تحت عنوان «نقش امام خمینی¹ در کارآمدسازی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران» انجام نشده است. بدین منظور با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها از بیانات و پیام‌ها و موضع‌گیری‌های امام خمینی و اسناد بالادستی تلاش می‌شود تا نقش راهبردی و مدیریت استراتژیک ایشان در این زمینه مورد مطالعه قرار گیرد.

چهارچوب مفهومی: بهره‌گیری از ادبیات نظری دیپلماسی عمومی

در این بخش به تعریف دیپلماسی عمومی، اهداف و راهبردهای آن پرداخته می‌شود و همچنین ارتباط آن با قدرت نرم و صدور معنوی انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی¹ می‌تواند تبیین‌کننده اصل تکلیف و مسؤولیت‌های فرا ملی جمهوری اسلامی ایران باشد.

تعریف دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی را می‌توان مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جدید

دیپلماتیک دانست که در خدمت دستگاه سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرد و مسأله اصلی این است که از چه طریق و با چه روشی می‌توان وجهه و تصویر یک کشور را در جهان بهبود بخشید و باورها و سیاست‌های خود را به منظور افزایش نفوذ میان جوامع و کشورها گسترش داد (واعظی، ۱۳۸۹، ص ۱۲). چنان‌چه «تاچ» از دیپلماسی عمومی به عنوان «فرآیند ارتباط‌گیری یک حکومت با عامه خارجی در تلاش برای ایجاد درک از ایده‌ها و ایده‌آل‌های ملت خود، نهادها و فرهنگ‌ها و هم‌چنین اهداف ملی و سیاست‌های جاری خود» یاد می‌کند (Tuch, 1990, p.3). بنابراین، وظیفه اصلی دیپلماسی عمومی ایجاد روابط پایدار است (Gurgu, 2016, p.48). گرچه این واژه جدید است، اما به این معنا نیست که مصداق آن هم جدید است. بلکه شاید نتوان تاریخی برای مصادیق عینی دیپلماسی عمومی در جهان خارج ذکر کرد. برخی به این دلیل دیپلماسی را جزو منابع قدرت دانسته‌اند که یکی از اهداف اساسی آن جذب قلوب و افکار مردم و رهبران و سیاست‌مداران کشورهای دیگر می‌باشد. لذا چنان‌چه کشوری از دیپلماسی کارآمدی برخوردار باشد، یکی از منابع مهم قدرت نرم را در اختیار خواهد داشت (ملک‌زاده، ۱۳۹۹، ص ۶۶). البته قدرت به معنای وبری آن؛ یعنی تحمیل اراده «الف» بر «ب» مورد قبول نگارندگان نیست، بلکه قدرت در اندیشه امام خمینی ۱ به معنای اقدام در صورت اراده است (ارجینی و لک‌زایی، ۱۳۹۸، ش ۲۲، ص ۹۳-۱۰۸). بر این اساس، ماهیت دیپلماسی عمومی، ارتباطات دوسویه و پایدار با مخاطبان خارجی، در ارائه تصویر مناسب از کشور خود در میان آنان و کاهش شکاف احتمالی میان تصویر مطلوب با تصویر موجود از طریق کاربست قدرت نرم و ابزارهای مرتبط با آن حوزه در جهت هژمونیک کردن فرهنگ، ارزش‌ها و آرمان‌های یک ملت در بعد فراملی است. لذا گستره محیط گفتمانی و ارتباطی دیپلماسی عمومی، نه تنها تعامل با دولت‌های خارجی، بلکه تعامل راهبردی با سایر ملت‌ها و افراد غیر دولتی نیز می‌گردد.

در این میان، توجه به ابعاد دیپلماسی عمومی نیز ضروری است که شامل: ۱. روابط روزمره است که در ابعاد سیاست‌گذاری داخلی و خارجی و نحوه بیان و انعکاس آن بر می‌گردد.

۲. ارتباطات راهبردی است که موضوعات اصلی و محوری را تقویت کرده و یا یک سیاست دولتی ویژه را پیش می‌برد و ۳. توسعه روابط پایدار و درازمدت با افراد کلیدی و شبکه‌های رسانه‌ای است (بشیر، ۱۳۹۴، ص ۳۴-۳۲). بر این اساس، فعال‌سازی هر یک از سه بعد دیپلماسی عمومی، نقش مهمی در ایجاد یک رابطه پایدار، هدفمند و هم‌چنین ارائه تصویر مطلوب از کشور ایفا می‌کند. چنان‌چه امام خمینی 1 با گشودن راه جدید برگرفته از مکتب اسلام در مقابل بلوک قدرت و سلطه، بر اعتبار، ارزش و کارآمدی دیپلماسی عمومی ایران با محوریت فطرت توحیدی، بیداری اسلامی، آگاهی‌بخشی، صیانت و دفاع از حقوق و کرامت انسان‌ها در جهت سعادت و رستگاری اقدام نموده است.

مخاطبان دیپلماسی عمومی امام خمینی 1

امام خمینی به طور مستقیم و مستقل به تعریف دیپلماسی عمومی نپرداخته است، ولی با بررسی سیره و روش سیاسی ایشان در قالب اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی می‌توان به اهمیت جایگاه مردم، سعادت و تعالی بشر، عزت و آزادی انسان‌ها، بدون در نظر داشتن شاخصه‌هایی از قبیل نژاد و ملیت توجه داشت. از این‌رو، گستره مخاطبان ایشان محدود به مردم ایران نیست، بلکه جذابیت و راهبردهای پیام اسلام در نظام مفهومی و معنایی رهبر کبیر انقلاب در سطوح مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه قابل تعمیم است.

از این منظر، درک و فهم نیازهای کشورهای، فرهنگ‌ها و مردمان دیگر، برقراری ارتباط از نقطه نظر مردمان، اصلاح سوء تفاهمات، جست‌وجوی حوزه‌هایی که در آن وجوه مشترک زیادی وجود دارد، از جمله کارکردهای دیپلماسی عمومی است (یزدان‌فام، ۱۳۹۳، ص ۳۳). تحلیل گفتار و رفتار سیاسی امام در بعد دیپلماسی عمومی، در دو سطح اسلامی و بین‌المللی (حیدرپور و بشارتی‌راد، ۱۳۹۴، ش ۵، ص ۳۸)؛ یعنی امت اسلامی و سایر ملت‌های جهان مورد توجه هستند:

گروه نخست: جنبش‌های رهایی‌بخش به خصوص از نوع اسلامی در سطح جهان

است که به عنوان مقوله‌ای بین دولت - ملتی، در جنبه‌ای ایجابی باید به تأسیس، توسعه و تحکیم نمونه‌های موافق با جریان‌های آزادی‌خواه و ضد استکبار کمک و در جنبه سلبی، در جهت اصلاح و یا تضعیف، تجزیه و تبدیل و واگرایی موارد احتمالی مخالف ایدئولوژیکی یا مبارزاتی با انقلاب اسلامی تلاش کرد (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۹۰). همان‌طور که حضرت امام فرمودند:

ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۲۵۹).

جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند (همان، ج ۶، ص ۲۳۸).

از این رو، احیا و جان‌بخشی به فرهنگ مقاومت و شهادت در میان مردم کشورهای جهان اسلام در برابر سیاست نفوذ و سلطه بیگانگان در مورد تأکید امام است.

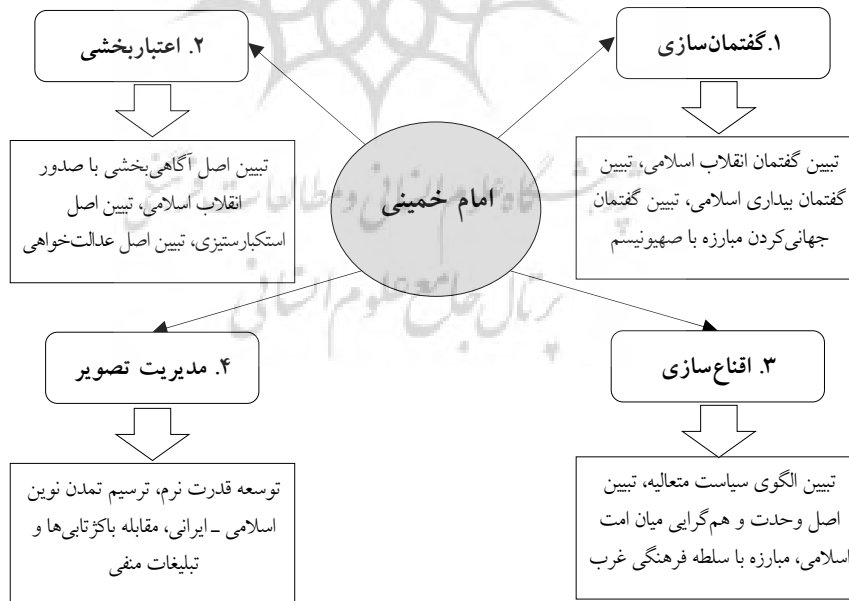
گروه دوم: مخاطب اندیشه فراملی امام خمینی ۱، ملت‌ها، توده‌ها و مستضعفان جهان هستند (حشمت‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۲۹۰). امام به عنوان یک رهبر سیاسی و معمار انقلاب اسلامی ایران، حمایت جمهوری اسلامی را نسبت به سایر ملت‌ها و مستضعفین جهان؛ چه مسلمان و چه غیر مسلمان اعلام می‌دارد. چنان‌چه پیام معظم له به گورباچف و احساس مسؤولیت در برابر مردم کمونیست و چه قطع رابطه با رژیم نژادپرست سابق آفریقای جنوبی، نمونه عینی از این نوع دیپلماسی عمومی است. چنان‌چه فرمودند:

من امیدوارم یک حزب به اسم مستضعفین در تمام دنیا به وجود بیاید و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و در مقابل مستکبرین و چپاول‌گران شرق و غرب قیام کنند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۵۰).

لذا استراتژی مهم در این زمینه مسأله وحدت میان مستضعفین عالم برای مقابله با مستکبرین عالم است. با توجه به نکات مطرح‌شده، دیپلماسی عمومی، مبتنی بر اندیشه سیاسی امام خمینی:

تبادل «حقایق» در ارتباطاتی دوسویه مبتنی بر «فطرت» بشری با هدف تعقیب و تأمین «منافع انسانی» می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی و سروش، ۱۳۹۲، ش ۷، ص ۵).

بر این اساس، تحقق دیپلماسی عمومی موفق و کارآمد منوط به آن است که یک کشور بتواند از طریق تأثیرگذاری بر مخاطبان خارجی و افکار عمومی، اولاً: بر سیاست‌های خارجی خود اعتبار بخشیده و ثانیاً: آنان را مجاب به پذیرش اهداف خود نموده و ثالثاً: با بهره‌گیری از فنون و ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای به ارائه تصویر مطلوب از خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی بپردازد. امری که منجر به آن شده تا کارگزاران و سیاست‌گذاران کشورها، بهره‌گیری از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را در عصر جهانی شدن، بیش از پیش مورد توجه قرار دهند و با ارائه تصویر مثبت از نظام سیاسی خود، بر میزان ارزش، اهمیت و جایگاه کشور خود در میان سایر ملت‌ها و کشورها بیفزایند. هم‌چنین جهت تبیین نقش امام در کارآمدسازی دیپلماسی عمومی، با مطالعه ادبیات نظری دیپلماسی عمومی و دیدگاه‌ها و نظرات موجود در آن، این مدل مفهومی طراحی شد.



گفتمان سازی

امام خمینی 1، به عنوان رهبر و بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران، نقش مهمی در ایجاد گفتمان اسلام سیاسی به عنوان یک مدل نظام حاکمیتی داشته است. به گونه‌ای که بدون وابستگی و الگوبرداری از مکاتب شرقی و غربی، با پیوند و مفصل‌بندی میان گزاره‌های دینی و سیاسی توانست یک نظام سیاسی بر اساس مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی در ایران ایجاد نماید و به پردازش آن در سطح ملی و بین‌المللی در میان ملت‌ها و دولت‌ها بپردازد.

با همین دیدگاه می‌توان گفت که دیپلماسی گفتمانی، مهم‌ترین حرکتی است که باید توسط ساختارها و کارگزاران مختلف ایجاد شود تا بتواند آغازگر یک دیپلماسی گفتمانی با سایر ملت‌ها و کشورها باشد و اهداف سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای یک کشور را در جهان تأمین نماید (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۱۱۱) که به برخی از این گفتمان‌ها بر اساس اندیشه امام خمینی پرداخته می‌شود:

تبیین گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، با ارائه یک الگو و نظام رفتاری و گفتمانی جدید برای ملت‌های تحت ستم؛ علی‌الخصوص مردم مسلمان جهان و هم‌چنین سایر ملت‌ها، توانست نسخه موفقی از نظام حاکمیتی بر گرفته از مکتب اسلام ارائه دهد؛ با تأکید بر توحیدمحوری، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی، بر اساس آن همه مسلمانان جهان و حتی فراتر از آن، همه مستضعفین عالم را مورد خطاب قرار داده و با توجه به اهداف فرهنگی و فراملی، به یک پدیده بین‌المللی تبدیل گردد.

امام خمینی با داشتن روی‌کردی انتقادی نسبت به نظم حاکم که نظام سلطه‌اساس و بنیان آن را تشکیل می‌دهد، در معرفی انقلاب اسلامی ایران می‌فرماید: «انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۱۷۶) که متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد (همان، ج ۱۹، ص ۵). از این رو، مبانی معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی در اندیشه امام، دارای دو عنصر اساسی و متمایز است: اول، تکیه امام بر

«جوهر ناب اسلامی» و دوم، غرب‌ستیزی و گریز از ناسیونالیسم (پوراحمدی، ۱۳۸۹، ش ۲۰، ص ۱۹۲). بر این اساس، امام خمینی ۱، انقلاب اسلامی ایران را به عنوان یک الگو و راهنما برای سایر ملل ستم‌دیده و تحت سلطه معرفی نمودند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۳۷). چنان‌چه استاد «فهمی هویدی» نویسنده مشهور مصری در این باره می‌گوید:

امام خمینی ثابت نمودند که اگر از دین به درستی استفاده شود، عنصری فعال و مؤثر در برانگیختن ملت‌هاست (www.hawzah.net/2689).
بر این اساس، جهان‌شمولی گفتمان انقلاب اسلامی، دال بر قابلیت الهام‌بخشی و بازتولیدشوندگی آن در جوامع و مناطق دیگر است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹، ص ۴۰). چنان‌چه امام، این نهضت اسلامی را اقامه‌گر عدل، در میان همه بشریت می‌داند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۰، ص ۱۴۰). از این رو، امام خمینی با تبیین و غیریت‌سازی گفتمان انقلاب اسلامی از سایر گفتمان‌ها بر اصول انسانی و فطری، با روی‌کردی رسالت‌مدار برای مسلمانان و جهانیان، در فعال‌سازی دیپلماسی عمومی نقش مؤثر ایفا می‌نماید.

تبیین گفتمان بیداری اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف بسیار مهم در مسیر بیداری اسلامی و آگاهی‌بخشی به ملت‌ها بوده است. به گونه‌ای که این نهضت با رهبری امام خمینی، با تأکید بر اسلام سیاسی، ایجاد روحیه خودباوری و ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی در میان ملت مسلمان، توانست به لحاظ نظری و عملی، الگویی برای جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام گردد. چنان‌چه حضرت امام در این باره فرمودند:

این‌جانب برای ادای وظیفه اسلامی، در هر فرصت فریاد دل محرومان و مظلومان منطقه را به جهانیان از آن جمله دولت‌های کشورهای اسلام رسانده‌ام و پس از این نیز اگر فرصتی رخ دهد، انشاءالله خواهم رساندم... تا به یک بیداری اسلامی انسانی تبدیل گردد (همان، ج ۱۸، ص ۱۲۰).

و در بیانی دیگر، ۲۲ بهمن را سرآغاز حکومت الله بر جهان، برافراشته شدن پرچم عدالت اسلامی و بیداری مستضعفان و محرمان دانست (همان، ج ۲۲، ص ۳۲۲). چنانچه نقش پیشتاز انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی از طریق بازتاب بر مسائل عمده منطقه‌ای و جهانی و نیز جغرافیای سیاسی منطقه، پایان هندسه قدرت کشورهای فرامنطقه‌ای را نوید می‌داد (ملکوئیان، ۱۳۹۲، ش ۲۰، ص ۱۲۵). از این رو، با صدور گفتمان عمل‌گرایانه امام، نظم نوین منطقه‌ای، معطوف به استفاده از وجوه نرم‌افزاری قدرت، همراه با به‌چالش کشاندن معادلات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت (ابطحی، ۱۳۹۲، ش ۷، ص ۱۵۸). چنانچه «جمیل دهر» دبیر کل جریان مقاومت لبنان می‌گوید:

اندیشه‌های امام خمینی که در انقلاب اسلامی متبلور شد، پیامی به ملت‌های تحت ستم بود، مبنی بر این که در قاموس آزادگان، امر محال ممکن نیست و ایمان و اراده لازمه تغییر است و ما می‌توانیم تمامی معادلات را تغییر دهیم (www.mehrnews.com/4940653).

همان گونه که معظم له در پیام خود به ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواهان جهان فرمودند:

بیدار شوید و خفتگان را بیدار کنید، زنده شوید و مردگان را حیات بخشید و در تحت پرچم توحید برای درهم پیچیدن استعمار سرخ و سیاه و خودفروختگان بی ارزش، فداکاری کنید (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۵۴). بر این اساس، قوت، هدایت‌گری و انسجام پروژه بیداری اسلامی و آگاهی‌بخشی به ملت‌ها، معلول تفکرات امام بود که با تکیه بر فرهنگ غنی اسلام، مظهر جریان نو در جهان اسلام شد و به مسلمانان؛ علی‌الخصوص جوانان انگیزه مبارزه بخشید.

تبیین گفتمان جهانی‌کردن مبارزه با رژیم صهیونیسم

مسأله فلسطین همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در سیاست خارجی ایران بوده است؛ به گونه‌ای که موضع جمهوری اسلامی در قبال فلسطین به صورت

یکی از ارکان هویتی آن تبدیل شده است و به منظور اقدام عملی علیه اسرائیل، آزادی قدس در اندیشه امام خمینی 1 مهم و راهبردی دانسته شد. چنانچه تعیین آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس از سوی امام، نقطه شروع این گفتمان جهانی است. ایشان رژیم صهیونیستی را نژادپرست، غده سرطانی و جرثومه فساد خواند که تمام دول اسلامی را با خطر مواجه ساخت (همان، ج ۸، ص ۲۵۱). هم‌چنین در اندیشه امام، اسرائیل، حتی دشمن بشریت تلقی می‌شد. از این رو، پایداری به دفاع از حقوق مسلمین در برابر جنایت اسرائیل، بر ملت‌ها و دولت‌های اسلامی یک تکلیف الهی و واجب انسانی است (همان، ج ۸، ص ۲۳۲). انقلاب اسلامی ایران به مبارزات مردم فلسطین جنبه فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را یک وظیفه اسلامی و ایدئولوژیک اعلام کرد (اسکندری فاروجی و آقاحسینی، ۱۳۹۴، ش ۴۳، ص ۲۲) و هدف مطلوب و غایی امام خمینی 1 در مسأله فلسطین، «نابودی اسرائیل و صهیونیسم» می‌باشد که تحت عنوان «صهیونیسم‌ستیزی» مفصل‌بندی شده‌اند (آهویی و سامعی، ۱۳۹۵، ش ۱۹، ص ۱۸۸). بر این اساس، در اندیشه سیاسی امام خمینی، توجه به اتحاد، حرکت اسلامی و مردمی بهترین پشتوانه برای استمرار مبارزه است. چنانچه می‌توان گفت، انتفاضه و حماسه پر شور روز جهانی قدس، برآمده از گفتمان امام راحل است که اساس آن را بنیان نهاد.

اعتباربخشی به اهداف و آرمان‌ها و پیام‌های انقلاب اسلامی

امام خمینی، نقش مهم و محوری در اعتباربخشی به اهداف، آرمان‌ها و پیام انقلاب اسلامی ایران برای جهانیان داشت و با تأکید بر نقش و جایگاه ایدئولوژی اسلامی در سیاست خارجی ایران، به جهت‌دهی آن در راستای تأمین منافع ملی، مصالح اسلامی در راستای مسؤولیت‌های فراملی و اجرای وظایف اسلامی اقدام می‌نمود. این مسأله به عنوان یک عامل ارتباط‌دهنده بر اعتبار و باورپذیری قضاوت‌هایی که مخاطبان دریافت‌کنندگان پیام دارند، می‌افزاید.

این دیدگاه محور نظریه مدیریت شیوه بیان (impression management theory)

است که نه تنها اشاره می‌کند که عاملان ارتباط (communicators) می‌کوشند تصاویر معتبر (credibile image) را القا کنند، بلکه نشان می‌دهد که اعتبار اهمیتی اساسی در این فرآیند دارد. از این رو، اعتماد پیش شرط هم‌کاری است (گاس و سیتز، ۱۳۹۰، ص ۴۱۴). این عامل می‌تواند توضیح‌دهنده و توجیه‌کننده رفتار خاصی از قدرت سیاسی ایران از منظر امام در عرصه‌های خارجی و ارتباط با سایر ملت‌ها باشد. چنانچه فرمودند: «سیاست نه شرقی، نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و خارجی حفظ کنید» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۱۲۲) که این مسأله نشان از موجودیت و هویتی مستقل و غیر متعهد به بلوک قدرت شرق و غرب داشت. برخی از این اصول به صورت زیر می‌باشد:

تبیین اصل آگاهی‌بخشی با صدور انقلاب اسلامی

ماهیت مکتبی و مردمی انقلاب اسلامی ایران و ساختار برخاسته از آن، موجی از خود به دنبال داشت و با توجه به استقبال و بازتاب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی آن، کانون توجه مردم مسلمان منطقه و سایر ملت‌های ستم‌دیده و تحت سلطه قرار گرفت. بر این اساس، امام خمینی ۱ از نخستین روزهای پیروزی انقلاب بر انتقال اندیشه‌ها، ارزش‌ها و اهداف انقلاب اسلامی بر سایر جوامع به ویژه مسلمانان تأکید داشتند.

امام با تعبیر متعددی از صدور انقلاب در راستای آگاهی‌بخشی سخن گفته‌اند. عباراتی چون «گسترش معنویت ایران در سطح جهان» (همان، ج ۱۳، ص ۹۰)، «آشتی میان دولت‌ها و ملت‌ها» (همان، ص ۹۶)، «رساندن پیام اسلام به جهان» (همان، ج ۱۹، ص ۴۱۴)، «صدور ارزش‌های انسانی و ارائه یک الگوی عینی» (همان، ج ۱۷، ص ۴۱۱). از این رو، به نظر می‌رسد که شالوده و جوهر دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی را نظریه «صدور انقلاب» شکل می‌دهد که الهام‌گرفته از اصل «دعوت» در آموزه‌های اسلام است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰، ش ۱۶، ص ۱۷). از این منظر، صدور انقلاب اسلامی به صورت تبیین و ترویج افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی از طریق

آگاهی بخشی و رهایی بخشی ملت های مسلمان و مستضعف جهان تعریف می گردد (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۱۲۸).

چنانچه «طراد حماده» تحلیل گر سیاسی لبنانی می گوید:

امام خمینی با پایه ریزی اقدامات سیاسی، بر اساس مفهوم «ولایت فقیه»، جمهوری اسلامی را بنا نهادند که به مثابه الگویی برای دنیا بود و نقش اساسی در بیداری ملت های اسلامی و تمامی ملت های جهان علیه رژیم های ظالم و مستبد داشت (www.mehrnews.com/4940653).

از این رو، امام خمینی 1 بر برون گرایی بسط محور ایدئولوژیک (به معنای گسترش بخشی به ارزش های دینی - الهی) تأکید وافر داشتند (دهشیری، ۱۳۷۹، ص ۳۴۶) و در تبیین صدور انقلاب می فرمایند که ماهیت صدور انقلاب اسلامی، فرهنگی است و معنایش بیداری ملت ها، دولت ها و همه ممالک اسلامی است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۱۲۷). بر این اساس، منظور از صدور انقلاب، کشورگشایی نیست، بلکه معرفی چهره حقیقی اسلام هست و آن با ارشاد حاصل می شود (همان، ج ۱۸، ص ۳۶۴). به تعبیر آیه الله جوادی آملی «صدور انقلاب»، به معنای دخالت در شؤون مردم کشورهای دیگر نیست، بلکه به معنای پاسخ دادن به سؤال های فکری بشر تشنه معارف الهی است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۲۱). با توجه به نکات مطرح شده، امام خمینی در خصوص شیوه های دعوت، بر بهره گیری از دعوت شفاهی و زبانی، کتبی و مکاتبه ای تأکید داشتند که همه این موارد در جهت آگاهی بخشی ملت ها و دولت ها، از طریق صدور انقلاب و ارائه و اشاعه ارزش ها و آرمان های الهی و انسانی آن در خارج از مرزها بود.

تبیین اصل استکبارستیزی

یکی از مهم ترین اهداف و مسؤولیت های فراملی در اندیشه سیاسی امام خمینی، مسأله استکبارستیزی است. این اندیشه برگرفته از ربوبیت الهی و نفی هرگونه سلطه در روابط میان انسان ها و مناسبات دولت - ملت ها با یکدیگر است و بر این اساس، انگاره

استکبارستیزی از جمله نشانه‌هایی است که پیرامون دال مرکزی «حاکمیت الله» مفصل‌بندی شده است.

امام، واژه «استکبار» را در مقابل «استضعاف» که واژه‌ای برگرفته از ادبیات دینی و قرآنی بود، قرار دادند (جعفری و قربی، ۱۳۹۲، ش ۹، ص ۷۳) و پس از آن با تبیین و استفاده مکرر ایشان از این واژه، این مفهوم وارد ادبیات گفتمان اسلام سیاسی در سیاست خارجی ایران و تقسیم ملت‌ها به دو گروه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر شد. چنان‌چه امام خمینی، با تأکید بر پیوند سیاست و دیانت (امام خمینی، ج ۵، ص ۱۸۸)، به مثابه سر و بدن (همان، ج ۱۰، ص ۴۴۹)، همواره بر مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مردم مستضعف دنیا در هر نقطه‌ای با هر زبان و مذهب و ملیتی تأکید داشته‌اند و آمریکا را به دلیل ماهیت سلطه‌جویانه آن، به عنوان «شیطان بزرگ» می‌نامند (همان، ص ۱۴۱) و سلامت و صلح جهان را بسته به انقراض مستکبرین می‌دانند (همان، ج ۲۰، ص ۲۲۲). بر این اساس، از جمله مهم‌ترین شاخص رفتاری سیاست خارجی ایران در چند دهه گذشته، ضد هژمون‌گرایی یا استکبارستیزی بوده که به شکل‌گیری نقش‌آفرینی ایران به عنوان یک کشور مستقل در سیاست خارجی منجر شده است (حجازی و رحیمی روشن، ۱۳۹۶، ش ۲۱، ص ۱۵۹). چنان‌چه «سیدحسین نصرالله»، حرکت مقاومت علیه اشغال‌گری اسرائیل را در راستای یک تکلیف الهی و پیروی از دستورهای امام خمینی ۱ می‌داند که تمام گروه‌های اسلامی به یک‌دیگر پیوستند و حرکت واحدی را سازمان دادند که امروز به حزب‌الله معروف است (ستوده، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵). همان‌طور که امام در این باره می‌فرماید:

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرنه‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند، می‌بوسم و سلام دروذهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می‌کنم (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۸۵).

از این منظر، مبارزه با استکبار جهانی، یک مبارزه ارزشی و فرهنگی در جهت برداشتن فشارها و موانع موجود در راه تکامل انسانی و آزادزیستن و آزاداندیشی و انتخاب روش صحیح زیستن انسانی است (صفوی همای، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). بر این اساس، امام راحل در قالب یک برنامه راهبردی، ضمن هشدار به مستکبرین، به دفاع از مستضعفین جهان و تلاش برای انسجام آن‌ها در مقابل قدرت‌های جهانی را دنبال می‌کند و زمینه شکل‌گیری هسته‌های مقاومت در برابر سلطه‌گری را فراهم می‌سازد. تقویت و حمایت این بخش، نقش مهمی در ارتقای کارآمدی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در میان مخاطبان خارجی و آزادی‌خواهان جهان دارد و بر اعتبار و محبوبیت آن می‌افزاید.

تبیین اصل عدالت‌خواهی

در فلسفه سیاسی امام خمینی 1، پرداختن به مقوله عدالت و گستره آن در سطح تمامی ملت‌ها و رهایی از استثمار نظام سلطه، همواره مورد تأکید بوده است. ایشان با تأسی به سیره انبیای الهی، برپایی عدالت پایدار در جامعه اسلامی و جهانی را مقدمه امنیت پایدار و تحول در مناسبات رفتاری و انسانی می‌دانستند. از این رو، امام در موضع‌گیری‌های خود به نقد سیاست حاکم و محکوم می‌پردازد و بر مقاومت و قیام‌های مردمی در جهت احقاق حقوق حقه تأکید دارند. چنان‌چه حمایت و طرف‌داری از مستضعفان، خدمت به ضعیف، رسیدگی به وضع محرومین و نجات آنان از زیر سلطه ستم‌گران، تأمین استقلال را برای تحقق استیفای حقوق ملت ستم‌دیده را لازم می‌داند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۳۲) و انقلاب اسلامی ایران را اقامه‌گر عدل الهی دانسته که از هیچ قدرتی و شرارتی، هراس به خود راه نمی‌دهد (همان، ج ۱۵، ص ۱۵۹). بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران، اولین گام‌های خود را بر اساس نفی اصل «نه شرقی - نه غربی» نظام دو قطبی و استکبار جهانی را به چالش کشید و بر استقرار عدالت، اجرای قوانین الهی، آزادی توأم با مسؤولیت انسان در برابر خداوند، حمایت از مستضعفان، نفی استعمار و سلطه‌گری و وحدت امت اسلامی تأکید کرده است. همان‌گونه

که در نگرش انتقادی به پدیده‌های اجتماعی - سیاسی، باید جهان و پدیده‌های آن را به منظور حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب به نقد کشاند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵). بر این اساس، ایجاد و استقرار یک دولت عادل و جامعه‌الگوی اسلامی، بیان‌گر امکان‌پذیری و کارآمدی الگوی حکومتی اسلام، ارزش‌های اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی در جهان معاصر و نظام ناعادلانه بین‌المللی است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۱۳۳). نمونه دیگر از این نوع رفتار امام که در دیپلماسی عمومی جاری است، پاسخ به نامه دانش‌آموزان سرخ‌پوست دبیرستان «اسپرینگ دال ایالت ارکانزاس» بود که فرمودند:

من می‌دانم که سرخ‌پوستان و سیاه‌پوستان در فشار و زحمت هستند. در تعلیمات اسلام فرقی بین سفید و سرخ و سیاه نیست؛ آنچه انسان‌ها را از یک‌دیگر امتیاز می‌دهد، تقوا و اخلاق نیک و اعمال نیک است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۲، ص ۲۹۰).

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده امام با واردکردن کلیدواژه مهم «عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی» چهره جهانی و بین‌المللی صدور انقلاب را عملیاتی‌تر، واضح‌تر، مستند و مستدل‌تر نمود. چنان‌چه مقام معظم رهبری در ششمین سالگرد رحلت امام می‌فرماید:

بسیاری از عدالت‌خواهان، آزادی‌خواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قاره‌های پنج‌گانه عالم، می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم» و راست می‌گویند (<http://farsi.khamenei.ir>).

بنابراین، انقلاب اسلامی ایران انقلاب کلمه و کلام و فرهنگ است، نه خشونت و جنگ. اولین رکن در این انقلاب، یقظه و بیداری است و سپس قیام برای خدا. انقلاب اسلامی ایران، انقلاب قلب‌ها و دل‌ها و آن‌گاه حکومت بر دل‌ها و قلب‌هاست که معادل امروزی آن دیپلماسی عمومی است که در اندیشه و سیره امام خمینی ۱ تبلور عینی داشت.

اقتناع‌سازی در دیپلماسی عمومی

یکی از مهم‌ترین مسائل در دیپلماسی عمومی به‌دست‌آوردن اعتماد افکار عمومی است که در آن بر اساس فرآیند اقتناع‌سازی، تلاش می‌شود تا حمایت افکار عمومی، نسبت به اهداف و سیاست‌های خارجی جلب گردد. لذا دیپلماسی مؤثر، نیازمند جلب افکار عمومی از طریق صداقت، منطق‌سازی و متقاعدسازی مخاطبان خارجی است.

بر این اساس، دیپلماسی عمومی باید این نوع پیام‌ها را تقویت و به برقراری ارتباطات راهبردی میان آن‌ها کمک کند تا پیش‌فرض‌های مشترک فضای دیپلماتیک شکل گیرند (یزدان‌فام، ۱۳۹۳، ص ۳۸). در این میان، اندیشه و بیانات صادقانه و رفتار دل‌سوزانه امام خمینی در اقتناع‌بخشی و مجاب‌نمودن مخاطبان خارجی نسبت به اعتبار پیام انقلاب اسلامی، اهداف خیرخواهانه و صلح‌جویانه آن نقش به‌سزایی دارد که به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

تدبیر الگوی سیاست متعالیه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از موارد تغییر اساسی و بنیادین، تغییر و تحول در سیاست نظام حاکمیتی بود که بر اساس ایدئولوژی اسلامی در ایران شکل گرفت و با روی‌کرد توحیدی - مکتبی در دو ساحت مادی و معنوی، به صورت متعادل و متعالی توسط امام خمینی 1 پایه‌گذاری شد و به عنوان یک مدل و شکل خاص از نظام سیاسی مطرح گشت. چنان‌چه امام، سیاست اسلام را به عنوان نسخه نجات‌دهنده بشر از بردگی، تسلیم طاغوتیان و فنا و نیستی می‌داند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۱۷۱) که سبب تفاهم دولت‌ها و ملت‌ها علیه ابرقدرت‌ها می‌گردد (همان، ج ۲، ص ۲۴۹) و در ادامه می‌فرماید:

بر علمای اسلام است که همه شوون اسلام را، همه فنون اسلام را، همه احکام اسلام را بنویسند، بیان کنند، عرضه بدارند به دنیا (همان، ج ۱، ص ۱۲۳).

این مسأله باعث شکل‌گیری هویت انقلاب اسلامی شد؛ چنان‌چه رهبر معظم انقلاب

فرمودند:

امام بزرگوار ما توانست یک هویت جدیدی را در دنیای پر آشوب سیاست، در این منطقه به وجود بیاورد و آن هویت جمهوری اسلامی و ملت زنده ایران است... که متعلق به همه امت‌های اسلام است (<http://farsi.khamenei.ir>).

بر این اساس، الگوی توسعه سیاست متعالیه؛ یعنی تعامل و هم‌گرایی بر اساس عقلانیت، اعتدال، حکمت و اخلاق، در ابعاد داخلی و خارجی (صدرا، ۱۳۹۶، ش ۱۶، ص ۳۲) و مقابل آن، روابط بین‌الملل متدانی است که روابط کشورها بر اساس قدرت‌طلبی و کشورگشایی است که نتیجه آن بسط روابط ظالمانه و تقدم‌یافتن سیاست قدرت بر اخلاق و ارزش‌ها خواهد بود (ستوده، ۱۳۹۴، ش ۱۱، ص ۱۰۸). از این‌رو، قدرت متعالیه، پشتیبان مهمی برای پیاده‌سازی اخلاق انسانی و اسلامی در عرصه‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود (لکزایی و ملکوتیان، ۱۳۹۸، ش ۳، ص ۸۰۱). بر این اساس، امام شکل جدیدی از ماهیت قدرت را به ادبیات سیاست اضافه می‌کند که در برگرنده پیشرفت و توسعه مادی، به همراه سعادت و کمال معنوی است که اینک از مرحله علمی به عملی (راهبردی - کاربردی) در جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته و به عنوان هدایت صراط مستقیم و یک الگوی موفق و جدید از تعریف سیاست برای سایر ملت‌ها و دولت‌ها ارائه نمود.

تبیین اصل وحدت و هم‌گرایی میان امت اسلامی

در اندیشه سیاسی امام خمینی^۱، توجه به ایجاد وحدت و هم‌دلی بین پیروان مذاهب اسلامی و ملت‌های مسلمان، یک اصل مهم و راهبردی بود. به همین جهت، بر وحدت کلمه، پرهیز از تفرقه، تمرکز بر مشترکات و تأمین منافع و مصالح امت اسلامی در بیانات، پیام‌ها و دیدارهای ایشان با مقامات، مسؤولین، علما و مردم سایر کشورهای اسلامی همواره مورد تأکید بود.

چنانچه معتقد بودند که وحدت بین مستضعفان در هر مسلک و مذهبی که باشد، مانع از نفوذ سلطه شرق و غرب می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۷، ص ۲۴۹) و ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف میان آن‌ها منجر می‌شود، را برخلاف

اسلام و مصلحت مسلمانان دانسته و آن را حيله و سياست تفرقه‌آمیز اجانب نسبت به اسلام و گسترش آن بيان فرمودند (همان، ج ۱۳، ص ۲۰۹). اين مهم از يك سو بر اساس مبارزه‌ای مثبت؛ يعنی تکیه بر باورهای اصیل اسلامی که شالوده سازمان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امت اسلامی را پایه‌گذاری می‌کرد و از سوی دیگر، بر مبارزه‌ای منفی علیه دشمن مشترک استوار بود که نمایان‌گر حساسیت مسلمانان در برابر تحولات جهان اسلام بود (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۱۵۶). بر این اساس، از اصلی‌ترین مبانی اندیشه، سیره و منش امام خمینی که بازخورد بیرونی آن به عنوان سیاست راهبردی انقلاب اسلامی بروز نمود، توجه به اتحاد امت اسلامی است (قهرمانی‌نژاد شایق، ۱۳۹۴، ش ۱۵، ص ۷۵) که از یک سو، بر شناخت دشمن مشترک و از سوی دیگر، بر تقویت هم‌گرایی و وحدت اسلامی از طریق آموزه‌های قرآنی و نبوی ۹ استوار است. بر این اساس، از جمله مواردی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بعد خارجی مورد توجه امام قرار گرفت، هم‌پستگی و وحدت اسلامی بود که پرداختن به آن از منظر امام، همراه با ضرورت عقلی و شرعی است و با استناد به آیه شریفه قرآن «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران (۳): ۱۰۳)، آن را یک دستور الزامی از سوی شارع مقدس می‌داند که در آن امر به وحدت و نهی از تفرقه شده است.

مبارزه با سلطه فرهنگی غرب

امام خمینی ۱، در مواجهه با سلطه فرهنگی غرب و پروژه نفوذ آنان در میان کشورها و ملت‌های مسلمان، بر استقلال فرهنگی، بازیابی هویت اصیل اسلامی، دشمن‌شناسی و روحیه خودباوری تأکید دارد. از دیدگاه ایشان، فرهنگ اساس سعادت یا شقاوت یک ملت است و رستگاری هر جامعه از راه اصلاح و احیای فرهنگی امکان‌پذیر است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۲۳۹). از این منظر، فرهنگ ارتباط وثیق با هدایت و تربیت انسان دارد و محتوای فرهنگی هر فرد، شکل‌دهنده شخصیت فردی و اجتماعی او خواهد شد.

مطلب مهمی که حضرت امام در این زمینه مطرح کرده نقش تبلیغات و رسانه و به

تعبیر مقاله حاضر، تأثیر قدرت نرم در ایجاد و تثبیت و توسعه خوی استکباری مستکبران بین‌المللی و طرف‌داران آن‌هاست. روشن است که یکی از ابزارهای گسترش این روحیه، استفاده از دیپلماسی عمومی به معنای برقراری ارتباط آشکار و پنهان و حتی حربه‌های غیر اخلاقی و ناجوان‌مردانه از قبیل القای ترس، تحقیر، تخریب خودباوری و عدم اعتماد به نفس و ترویج فساد است (همان، ج ۱۲، ص ۱۱۰-۱۰۸). امام خمینی راه‌کار مقابله با این تبلیغات و دیپلماسی عمومی ناجوان‌مردانه را فعال کردن زمینه‌های دیپلماسی عمومی ارزش‌محورانه در میان مسلمانان و مستضعفان جهان می‌داند (همان، ج ۱۷، ص ۱۵۷)؛ به گونه‌ای که هژمونی‌گرایی غرب را می‌توان عامل اصلی بسیاری از تضادها دانست (رهبر، ۱۳۹۲، ص ۵۲). بر این اساس، امام با آگاهی از تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران و جهان اسلام، تنها راه رهایی مسلمانان از هژمونی و سلطه غرب و عقب‌ماندگی ناشی از آن را در سایه بازگشت و احیای اسلام میسر می‌داند (خالقی افکند، ۱۳۷۸، ش ۵، ص ۳۱۲). در این میان، انقلاب اسلامی با ارتباطات فرادولتی در قالب دیپلماسی عمومی و با اتکا به قدرت نرم خود توانست به بازتعریف نسبت معنویت و سیاست، ترویج گفتمان و آموزه‌های اسلام، طرح ایدئولوژی اسلام برای گذر از ایدئولوژی‌های مادی‌گرایانه لیبرالیسم و سوسیالیسم به معرفی خود و نیز مقابله با اقدامات تهاجمی و فرهنگی پردازد. انقلاب اسلامی ضمن اهتمام به صدور پیام انقلاب، تبیین اندیشه تحول بر مبنای معنویت و اسلام و به‌چالش کشیدن مکاتب مادی غرب، به دنبال زمینه‌سازی برای تحقق انقلاب فرهنگی جهانی بوده است (اسکندری فاروجی و آقاحسینی، ۱۳۹۴، ش ۴۳، ص ۲۳). چنان‌چه امام خمینی ۱ معتقد است؛ یکی از مسائلی که مسلمانان و مستضعفان جهان را به حال رکود و عقب‌افتادگی نگاه می‌دارد، تبلیغات همه‌جانبه‌ای است که غرب‌زدگان و شرق‌زدگان، یا به امر ابرقدرت‌ها، یا با کوتاه‌نظری خود، در سراسر کشورهای اسلامی و استضعافی به راه انداخته‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۸، ص ۸۹). بر این اساس:

هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند، الا این‌که خودش، خودش را بفهمد (همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳).

از این رو، وابستگی فکری و فرهنگی به خارج، منشأ اکثر بدبختی ملت‌ها است. در مقابل این تهاجم فرهنگی و رسانه‌ای، استفاده از دیپلماسی عمومی ابزاری است که در تقابل با آن کارآیی دارد و آن چیزی جز صدور انقلاب و استقلال فرهنگی به مردم مسلمان منطقه و جهان نیست. چنان‌چه امام در پیامی به مردم الجزایر، به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد استقلال آن، خودباوری را، راه نجات از وابستگی و فرهنگ صادراتی را منشأ بدبختی ملت‌ها بیان فرمودند و بر شناسایی و شناساندن فرهنگ متمدنی اسلام تأکید داشته‌اند (همان، ج ۱۰، ص ۷۹). بر این اساس، امام خمینی، با انتقاد بر فرهنگ تهاجمی و استعماری غرب، تلاش در جهت احیای فرهنگ و تربیت اسلامی، رشد و پیشرفت سیاسی و آگاهی بخشی به ملت‌های مسلمان در جهت حفظ استقلال و رهایی از سلطه و قیمومت کشورهای غربی نمود.

مدیریت تصویر

مطالعه روند گذشته نشان می‌دهد که بی‌تردید به کارگیری دیپلماسی عمومی و ارتباط با ملت‌ها و افکار عمومی جهان، نقش تعیین‌کننده و مؤثری در ارائه تصویر مثبت از اسلام، انقلاب اسلامی و چهره نظام جمهوری اسلامی ایران در میان مخاطبان عام و خاص، جوانان و فرهیختگان سایر ملت‌ها و دولت‌های خارجی داشته است. در این میان، نقش رسانه، به عنوان یکی از منابع قدرت و از جمله نهادهای تأثیرگذار؛ چه از نظر تبلیغی و چه از نظر بازدارندگی مورد توجه دولت‌ها در ارتباطات و تعاملات خارجی است. چنان‌چه دیپلماسی رسانه‌ای که با تولید، توسعه و تکثیر رسانه‌های مدرن متولد شده است، تأثیرگذاری آن‌ها در ایجاد اقبال و متقاعدسازی، بیش از هر ابزار دیگری در دیپلماسی عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد (بشیر، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵). در این میان، امام نیز این امر را مهم بر می‌شمارد؛ چنان‌چه فرمودند: «مسئله تبلیغات یک امر مهمی است، دنیا بر دوش تبلیغات است» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۴، ص ۴۱) و «رسانه‌های گروهی باید حامل پیام ملت و اسلام باشد» (همان، ج ۱۳، ص ۴۰) که به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

توسعه قدرت نرم

یکی از شاخص‌های قدرت ملی و ارائه تصویر مطلوب از نظام جمهوری اسلامی ایران، بهره‌گیری از قدرت نرم است. جمهوری اسلامی ایران با فعال‌سازی ظرفیت‌ها و بهره‌گیری از مؤلفه‌های ملی و دینی می‌تواند نگاه و تصور مخاطبان خارجی را نسبت به کشور مثبت کند و زمینه‌های رفتار هم‌کاری‌جویانه را تسهیل نماید. در این میان، امام خمینی ¹ با کاربست این ظرفیت‌ها و احیای اسلام سیاسی بر هنجارها، ارزش‌ها، انگاره‌ها و قدرت گفتمانی جمهوری اسلامی در مجرای دیپلماسی عمومی جهت بخشید و جلوه الهی - انسانی، اخلاقی و فرهنگی انقلاب اسلامی را ارائه نموده و در خنثی‌سازی تبلیغات منفی و کژتابی‌های دشمنان انقلاب، نقش مهمی داشته است. چنانچه فرمودند:

مسأله تبلیغات از صدر اسلام تا ابد یکی از اموری است که اسلام بر آن پافشاری کرده است و در این زمان که ما هستیم، یک اولویت خاصی دارد (همان، ج ۱۶، ص ۱۴۹).

بر این اساس، امام در پیام براءت به زائرین بیت الله الحرام، شعار نه شرقی، نه غربی را شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین دانسته و با فریاد براءت از جهان‌خواران غرب و شرق، به دفاع از ارزش‌های الهی و منافع مسلمین برخاسته است (همان، ج ۲۰، ص ۱۰۹). بر این اساس، قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت و کسب اعتبار نزد افکار عمومی جهان است که با به کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ، پیشینه درخشان، آرمان یا ارزش‌های انسانی به صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹، ش ۹، ص ۱۵۱). از این رو، قدرت نرم بر قابلیت شکل‌دادن به علایق دیگران تکیه دارد و شامل هدایت‌کردن به واسطه الگوبودن و تحسین ارزش‌هایش در نزد سایر کشورها تلقی می‌شود (نای، ۱۳۸۷، ص ۴۳). همان‌گونه که حضرت امام، فرق ما بین انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های دنیا را چنین می‌داند که انقلاب‌های دنیا بی استثنا برای ایمان نیست، برای خدا نیست، انقلاب ایران برای خداست و از اول هم فریاد خدا بوده است،

الله اکبر بوده است و تا آخر هم همین است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۶، ص ۲۹۰). به گونه‌ای که مستضعفین جهان به ایران و انقلاب اسلامی چشم دوخته‌اند (همان، ج ۱۷، ص ۲۴۹). هم‌چنین بهره‌گیری از توان ارتباطی و رسانه‌ای برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و سایر ملت‌ها را می‌توان در زمره مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد. به واقع، رهیافتی که با انقلاب اسلامی و تفکرات امام خمینی ۱ مطرح شده است، به دلیل محتوا و مفادش، یک نمونه منحصر به فرد در میان ایدئولوژی‌های انقلابی و به عنوان بدیل برای رهیافت‌های مسلط بر عرصه بین‌المللی است (ملکوتیان، ۱۳۸۹، ش ۲۰، ص ۳۰۴). امام علی‌رغم تبلیغات منفی نظام سلطه و استکبار جهانی علیه ایران و بازتاب‌های انقلاب اسلامی، توانسته موجبات گسترش نفوذ و اقتدار کشور و الگوشدن ایران در میان مردم مسلمان منطقه و سایر مستضعفین جهان گردد و بر اثربخشی و ارائه تصویری مطلوب و مثبت از اسلام، انقلاب و ایران کمک نماید.

برخی دیگر از توصیه‌های امام خمینی ۱ که ناظر به ارائه فرآیند و تصویر فطرت‌پسند ایران در خارج از مرزهای ایران است که خطاب به کارمندان سفارت‌خانه‌ها و دانشجویان توصیه فرموده‌اند و در چارچوب دیپلماسی عمومی قابل فهم است، از این قرار است:

۱. شما آقایان که در سفارت‌خانه‌ها هستید، موظفید عقلاً و شرعاً به این‌که سفارت‌خانه‌های تان هر چه ساده‌تر باشد که هر کس به سفارت‌خانه می‌آید، اسلام را در آن‌جا عملاً ببیند.
۲. وضع مهمانی‌های تان، اسلامی باشد، نه طاغوتی.
۳. وضع زندگی خودتان، اسلامی باشد، نه طاغوتی.
۴. شعار ندهید و در گفتار و رفتار به اسلام عمل کنید.
۵. صدور با سر نیزه، صدور نیست. صدور با زور، صدور نیست. صدور آن وقتی است که اسلام، حقایق اسلام، اخلاق اسلامی، اخلاق انسانی رشد پیدا بکند. شما موظف به این معنا هستید و باید این کار را انجام بدهید.

۶. باید مجله داشته باشید؛ یک مجله‌ای که هم عکس‌ها و هم مسائلی که در آن مطرح می‌شود، موافق جمهوری اسلامی باشد تا به واسطه تبلیغات، اسلام در آن‌جا نفوذ کند.

۷. دانشجویهای عزیز ما در آن‌جا کوشش کنند با هر طایفه‌ای که برخورد می‌کنند، مسائل ایران را در آن‌جا طرح کنند (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۳، ص ۴۹۰-۴۸۹). بنابراین، تصویرسازی مثبت در فرآیند دیپلماسی عمومی توسط حضرت امام کاملاً مورد توجه بوده و بلکه ارائه و تأکید شده است؛ به گونه‌ای که ابتدا به ساکن، خود باید عامل و عنصر فعال در این زمینه باشیم و پیام و تصویر راستین انقلاب و اسلام را با رفتار و کردار شایسته همراه با عقلانیت و معنویت به جهانیان ارائه نماییم.

ترسیم تمدن نوین اسلامی - ایرانی

دارا بودن سابقه فرهنگ و تمدنی غنی و اثربخش در جهان، به عنوان یک ظرفیت و فرصت، جهت تأثیرگذاری بر سیاست و مخاطبان خارجی و همچنین ایجاد کنش‌گری بیش‌تر در میان افکار عمومی بر جذابیت و اعتبار نظام معنایی و گفتمانی آن کشور می‌افزاید.

در اندیشه امام خمینی^۱، تمدنی مهم و ارزشمند تلقی می‌شود که توانایی لازم برای سوق دادن انسان‌ها به توسعه مادی و کمال معنوی برخوردار باشد (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱، ص ۱۷۶). ایشان تمدن اسلام را بر پایه شرافت و انسانیت استوار می‌داند (همان، ج ۱۵، ص ۲۰۹) که بر غایت زیستن انسان معنا می‌بخشد و جامعه توحیدی ایجاد کرده است (همان، ج ۶، ص ۲۵۱) که در آن ایمان مبدأ خیرات و ترقی‌یات یک کشور است (همان، ج ۱۱، ص ۹۷). در این میان، انقلاب اسلامی ایران به عنوان پدیده سیاسی پویا و رویدادی عمده در جهان توانست تغییر، تحول و دگرگونی عظیمی در کارکرد نظام بین‌المللی به وجود آورد (سبحانی‌فر و امیرعبداللهیان، ۱۳۹۳، ش ۹، ص ۶۲). بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران با بهره‌گیری از ارتباطات فرهنگی، میان

فرهنگ و دیپلماسی عمومی با اعطای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان منطقه، توانست رویکرد تمدنی خود را به ظهور رساند (اسکندری فاروجی و آقا حسینی، ۱۳۹۴، ش ۴۳، ص ۲۱). چنانچه جوهره انقلاب و نظام اسلامی همان تمایز انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها است که با تأکید بر معنویت، عدالت، استقلال و آزادی برآمده از اسلام و تاریخ ایران، هویت فرهنگی و تمدنی خود را بیان می‌کند (سرپرست سادات، ۱۳۹۷، ش ۵۲، ص ۵۸). از این رو، امام خمینی 1 با معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن اصیل ایرانی - اسلامی که خاستگاه آن ایران اسلامی و شعاع آن اجتماع کشورهای جهان اسلام است، تصویر واقع‌بینانه‌ای از فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی ارائه داده‌اند که اولاً: جایگاه و منزلت کشور را در نزد افکار عمومی و سایر ملت‌ها ارتقا بخشیده است، ثانیاً: بر نقش برجسته و فرهنگ‌ساز، دانش‌محور و اخلاق‌گرای آن را در طول تاریخ یادآور شد و ثالثاً: زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی شده است؛ چنانچه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب به آن پرداخته است (<http://farsi.khamenei.ir>).

مقابله با کژتابی‌ها و تبلیغات منفی

شکل‌دهی به یک تحول انقلابی با رویکرد دینی که برگرفته از مکتب اسلام در ایران بود، موجب گردید تا انقلاب اسلامی ایران، یکی از رخدادهای مهم سیاسی و اجتماعی در نیمه دوم قرن بیستم به شمار آید. در این میان، جمهوری اسلامی با خروج از بلوک غرب از یک سو و از سوی دیگر، با تلاش امام خمینی 1 در بازسازی و بازتولید اسلام سیاسی در قالب نظام سیاسی، ظرفیت‌های لازم جهت الهام‌بخشی بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی ایران را فراهم ساخته است که تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه و فرامنطقه ایجاد نمود. این مسأله همراه با واکنش کشورهای مرتجع منطقه و آمریکا و متحدانش بود.

بر این اساس، آمریکا و رژیم صهیونیستی با عنوان ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی، انقلاب اسلامی را در کانون توجهات جهان قرار دادند (ایزدی؛ مهربانی‌فر؛ چابکی و متین جاوید، ۱۳۹۲، ش ۳۵، ص ۷۰). هم‌چنین کشورهای منطقه به اتخاذ مواضع ضد

ایرانی خود افزوده و اقدام به مقابله با سیاست جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و با تغییر دیدگاه و به وجود آمدن دیدی منفی نسبت به ایران در پی تعارضات فرقه‌ای میان شیعه و سنی بر آمدند (عیوضی و فلاح‌حسینی، ۱۳۹۶، ش ۲۲، ص ۷۶). از این رو، با تبلیغات منفی نسبت به جمهوری اسلامی ایران و هراس افکنی در میان افکار عمومی و مردم مسلمان منطقه سعی در منزوی نمودن ایران با معمای امنیت دارند. در این میان، امام خمینی، بر روشن‌گری مخاطبان و آگاهی بخشی به افکار عمومی جهانیان با تصویر واقع‌بینانه از نظام جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند و خطاب به مسئولین و سازمان‌های مربوطه می‌فرمایند که شما باید با تبلیغ فرهنگ اسلامی، به دروغ‌پراکنی‌های صداهای خارجی پاسخ دهید. امروز ابرقدرت‌ها از انقلاب اسلامی ما سیلی خوردند و می‌ترسند که مبدا در نقطه‌ای دیگر، انقلابی دیگر مانند انقلاب ما صورت گیرد (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۷، ص ۱۵۷). چنان‌چه به همه کشورهای اسلامی در منطقه پیشنهاد برادری و همکاری مشترک می‌دهد و خاطر نشان می‌کند، علی‌رغم آن که ایران قدرت‌مندترین دولت منطقه است، اما هیچ وقت قصد کشورگشایی نداشته است (همان، ج ۱۶، ص ۲۳۳) و در ادامه می‌فرماید که ما همه با هم برادریم. امروز اختلاف بین ما، تنها به نفع آن‌هایی است که نه به مذهب شیعه اعتقاد دارند و نه به مذهب حنفی و یا سایر فرق (همان، ج ۱۲، ص ۲۵۹) و در پیام خود به جنبش‌های آزادی‌بخش جهان می‌فرماید که منطق آقای کارتر، منطق حکومت وسطایی و حکومت جنگل بر تمام ارزش‌های انسانی و قوانین بین‌المللی است و ملتی که می‌خواهد حقوق خویش را مطالبه کند، به توطئه و ارباب، دخالت نظامی و محاصره نظامی پرداخته است (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۷) و آن‌هایی که بشر را پایمال می‌کنند، دم از حقوق بشر می‌زنند! و همه‌اش برای این است که این ملل ضعیف را ببلعند (همان، ج ۱۹، ص ۸۵) و کشور اسلامی ما مظلومانه مورد هجوم رسانه‌های گروهی و دستگاه‌های دروغ‌پراکنی واقع شده است و لازم است دولت به مقدار قدرت و توانایی، این نقیصه را رفع کند و برای رساندن صدای مظلومان به جهان، در توسعه شبکه‌های رادیویی جدید نمایند تا ملت‌ها هرچند مختصر، از آن چه بر ما گذشته است و می‌گذرد، مطلع شوند و گروه‌هایی برای روشن‌گری و تبلیغ در

فرصت‌های مناسب به کشورها اعزام که صدای مظلومیت ملت و جرایم قدرت‌مندان ستم‌گر را به اطلاع ملت‌ها و مظلومان جهان برسانند (همان، ج ۱۶، ص ۴۶). بر این اساس، حضرت امام خمینی ۱ با دو روی کرد ایجابی (بیان اهداف خیرخواهانه انقلاب اسلامی) و سلبی (پرهیز از سیاست‌های مداخله‌جویانه) به برداشت مخاطبان جمهوری اسلامی ایران و افکار عمومی جهت مثبت می‌بخشد.

با توجه به مباحث مطرح‌شده به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی عمومی با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه است که بحث تفصیلی پیرامون آن در پژوهشی مستقل قابل ارائه باشد. هم‌چنین نوآوری تحقیق حاضر این است که برای اولین بار به نقش امام خمینی ۱ در کارآمدی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

نتیجه‌گیری

امام خمینی، به عنوان رهبر و بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی ایران، با توجه به جایگاه ایشان در قانون اساسی و شریعت اسلامی و برخورداری از شأن مرجعیت دینی و ولایت فقیه از یک سو و در عین حال، دانشمندی اخلاق‌گرا و برخوردار از نگرش عرفانی و فلسفی از سوی دیگر، نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در تبیین و تفسیر اهداف انقلاب اسلامی، مسؤولیت‌های فراملی و جهت‌دهی به سیاست خارجی کشور داشته است. در این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، بیانات، مصاحبه‌ها و دیدارهای امام راحل با مقامات و مخاطبان خارجی، تلاش شد تا نقش امام خمینی در کارآمدسازی دیپلماسی عمومی ایران تبیین شود. امام، از طریق گفتمان‌سازی، اعتباربخشی، اقلان‌سازی و مدیریت تصویر، باعث ارتقای سطح دیپلماسی عمومی ایران گردیده و مخاطبان بی‌شماری را مجذوب صدای اسلام، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران کرده است. اگر مهم‌ترین وظیفه دیپلماسی عمومی را شکل‌دهی به افکار عمومی و اندیشه مخاطبان خارجی در راستای اهداف و منافع ملی یک کشور بدانیم، امام خمینی همواره از طریق بیانات، پیام‌ها و موضع‌گیری‌های خود و

دعوت دیگران به تبلیغ عملی اسلام و ارائه فرآیندهای دیپلماسی عمومی که گام اول آن از اصلاح خود فرد و خانواده و محل کارش شروع می‌شود، در فعال‌سازی دیپلماسی عمومی ایران، جهت تأمین منافع ملی و مصالح اسلامی، ایفاگر نقش مؤثر بوده است. هم‌چنین با توجه به این‌که امام، نقش ایدئولوگ و رهبر انقلاب اسلامی و زمام‌داری حکومت اسلامی پس از پیروزی را بر عهده داشته است، لذا بر اهمیت و نقش راهبردی ایشان در تعیین سیاست‌های کلی نظام و سطح ارتباط با سایر دولت‌ها و ملت‌ها، افزوده است. از این‌رو، ایجاد و تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری گفتمان مقاومت و بیداری اسلامی در میان مردم مسلمان منطقه و آگاهی‌بخشی در هدایت افکار عمومی، نشان از عمق استراتژیک و گسترش بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران دارد. به گونه‌ای که با اهداف و آرمان‌های راستین و خیرخواهانه و صلح‌جویانه با تأکید بر سعادت بشر، در میان مخاطبان خارجی و محرومین و مستضعفین جهان از اعتبار و مقبولیت برخوردار گشته است. هم‌چنین امام خمینی¹ از طریق تصویرسازی مثبت و مطلوب از اسلام و انقلاب اسلامی، نقش مؤثری در آرمان‌گرایی واقع‌بینانه از نظام جمهوری اسلامی ایران، با بهره‌گیری از شیوه‌های ارتباطی و ابزارها و سازوکارهای متناسب با آن در نزد سایر ملت‌ها، علمای جهان اسلام، اندیشمندان و ... پرداخت که همه این موارد بر کارآمدی دیپلماسی عمومی، نفوذ معنوی و گستره فرامرزی قدرت نرم انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آهوئی، مهدی و سامعی، حانیه، «سیر تکامل مفهوم «صهیونیسم‌ستیزی» در گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، ش ۱۹، ۱۳۹۵.
۳. ابطحی، سیدمصطفی، «تأثیر گفتمان امام خمینی؛ بر بیداری اسلامی ملت‌های مصر، تونس و بحرین»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال دوم، ش ۷، ۱۳۹۲.

۴. ارجینی، حسین و لک‌زایی، رضا، «ایضاح مفهومی قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی»، **دوفصلنامه معرفت سیاسی**، ش ۲۲، ۱۳۹۸.
۵. اسکندری فاروجی، ابوالفضل و آقا حسینی، علیرضا، «کاربست دیپلماسی عمومی در صدور انقلاب اسلامی»، **فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دوازدهم، ش ۴۳، ۱۳۹۴.
۶. امام خمینی، سیدروح‌الله، **صحیفه نور**، ج ۱، ۲، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و انتشارات سروش، ۱۳۶۹.
۷. ایزدی، فواد؛ مهربانی‌فر، حسین؛ چابکی، رامین و متین‌جاوید، مهدی، «ایران‌هراسی در آمریکا: بازنمایی شرق‌شناسانه از برنامه هسته‌ای ایران در مستند ایرانیوم»، **فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، سال دهم، ش ۳۵، ۱۳۹۲.
۸. بشیر، حسن، **دیپلماسی عمومی؛ سیاست‌ها و برنامه‌های جهانی**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۴.
۹. بشیر، حسن، **دیپلماسی گفتمانی؛ تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات**، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۵.
۱۰. پوراحمدی، حسین، «مبانی معرفت‌شناختی انقلاب اسلامی ایران و فرآیند جهانی‌شدن»، **فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی**، سال هفتم، ش ۲۰، ۱۳۸۹.
۱۱. جعفری، علی‌اکبر و قربی، سیدمحمدجواد، «راهبردهای مقابله با سلطه فرهنگی نظام استکبار در اندیشه سیاسی امام خمینی»، **فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»**، سال سوم، ش ۹، ۱۳۹۲.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، **آوای توحید**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۳. حجازی، سیدمحمدکاظم و رحیمی روشن، حسن، «انطباق‌پذیری سیاست خارجی دولت‌های پس از دفاع مقدس با اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی (با تأکید بر اصول استکبارستیزی، هم‌گرایی اسلامی و منزلت‌گرایی)»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال ششم، ش ۲۱، ۱۳۹۶.
۱۴. حشمت‌زاده، محمداقبر، **تأثیر انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

۱۵. حیدرپور، ماشاءالله و بشارتی‌راد، حسن، «اندیشه‌های فراملی امام خمینی؛ و تجلی جهانی آن»، فصلنامه علمی - تخصصی سپهر سیاست، سال دوم، ش ۵، ۱۳۹۴.
۱۶. خالقی افکنند، علی، «امام خمینی؛ و غرب»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوم، ش ۵، ۱۳۷۸.
۱۷. درخشه، جلال و غفاری، مصطفی، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام، فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال دوازدهم، ش ۱۶، ۱۳۹۰.
۱۸. دهشیری، محمدرضا، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
۱۹. دهشیری، محمدرضا، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۰. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و سروش، علی، «سطوح دیپلماسی عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی»؛ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، ش ۷، ۱۳۹۲.
۲۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رادفر، فیروزه، «الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی دولت نهم»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، ش ۱، ۱۳۸۸.
۲۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و رادفر، فیروزه، الگوی صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۸۹.
۲۳. رهبر، عباسعلی، غرب و تجدید حیات اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
۲۴. سبحانی فر، محمدجواد و امیرعبداللهیان، مجید، «تأثیر دیپلماسی عمومی ایران در لبنان بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، دانشکده علوم اسلامی و قدرت نرم، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین ۷، سال چهارم، ش ۹، ۱۳۹۳.
۲۵. ستوده، محمد، «روابط بین‌الملل متعالیه»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۹۴.
۲۶. ستوده، محمد، تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۲۷. سرپرست سادات، سیدابراهیم، «بایسته‌های فرهنگی، نظری و ساختاری شکل‌گیری تمدن اسلامی - ایرانی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال پانزدهم، ش ۵۲، ۱۳۹۷.
۲۸. صدرا، علیرضا، «افق و تدابیر سیاسی الگوی توسعه متعالی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال پنجم، ش ۱۶، ۱۳۹۶.
۲۹. صفوی همای، سیدحمزه، کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۸۷.
۳۰. عبدالله‌خانی، علی، نظریه‌های امنیت، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۹.
۳۱. عیوضی، محمدرحیم و فلاح‌حسینی، مهسا، «اسلام‌هراسی و سناریوهای پیش روی آن»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ششم، ش ۲۲، ۱۳۹۶.
۳۲. قهرمانی‌نژاد شایق، بهاء‌الدین، «مؤلفه‌های اتحاد اسلامی در اندیشه امام و رهبری و جایگاه آن در انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران، سال چهارم، ش ۱۵، ۱۳۹۴.
۳۳. گاس، رابرت اچ و سیتز، جان اس، اعتبار و دیپلماسی عمومی، (در کتاب مرجع دیپلماسی عمومی)، ترجمه روح‌الله طالبی آرائی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۰.
۳۴. لکزایی، رضا و ملکوتیان، مصطفی، «منابع سخت قدرت متعالی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۹، ش ۳، ۱۳۹۸.
۳۵. ملکوتیان، مصطفی، «بیداری اسلامی و تغییر در هندسه قدرت منطقه»، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های انقلاب اسلامی»، سال ۲، ش ۶، ۱۳۹۲.
۳۶. ملکوتیان، مصطفی، «انقلاب اسلامی، نظام بین‌الملل و آینده غرب»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، ش ۲۰، ۱۳۸۹.
۳۷. نای، جوزف. اش، قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سیدمحمسن روحانی و مهدی ذولفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۸۷.
۳۸. واعظی، محمود، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، گردآورنده: افسانه احدی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی سیاست خارجی، ۱۳۸۹.

۳۹. هادیان، ناصر، «سازهانگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴، ۱۳۸۲.
۴۰. هرسیچ، حسین و تویسرکانی، مجتبی، «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، ش ۹، ۱۳۸۹.
۴۱. یزدان‌فام، محمود، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۳.
42. www.hawzah.net/2689/.
43. www.mehrnews.com/4940653/.
44. <http://farsi.khamenei.ir>, 1374/03/14.
45. Gurgu, Elen, "New public Diplomacy and its Effects International Level", **Journal of Economic Development, Environment and people**, volume 5, Issue, 2016.
46. Tuch, H.N. **Communicating with the world: US public diplomacy overseas**, New York: st. martin's press, 1990.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی